

تفکیک قوا در فقه و قانون

فائزه سلیم زاده کاکرودی^۱

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه فارابی، قم

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

فائزه سلیم زاده کاکرودی

faeze.salimzade@yahoo.com

چکیده

تفکیک قوا، یعنی جداسازی قدرت های حاکم نقطه‌ی مقابل تمرکز قوا، بر این مبنا روی کار آمد که تمرکز قدرت و استبداد خطر بزرگی برای حقوق و آزادی افراد محسوب نگردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش این نظریه در قالب استقلال قوا گام مهمی برای جلوگیری از تمرکز نزد اشخاص فراهم آورده است. اما در مدل ابداعی خود، بعد از تعیین حدود و صلاحیت هریک از قوا، آنان را زیر نظر نهاد ولی فقیه به مثابه‌ی قوه فوق قوا قرار می دهد. در این حالت مدل متفاوتی از تفکیک قوا غالب ارائه می شود که علی رغم جدایی جهت ممانعت از تجمع و دست اندازی قدرت یک مرجعی نظارت بر آنها را برعهده دارد تا در راستای ولایت مطلقه‌ی خود که مقدم بر اصل تفکیک قوا است اعمال کنند. در این صورتبندی قدرت ولی فقیه تفکیکی از سایر قوا نیست. مدل دیگری از تفکیک قوا، تفکیک قدرت میان شورای از رهبران است. تقنین، اجرا و قضا برعهده سه تن از فقهای قرار می گیرد که در عین تفکیک هریک از وظایف مربوطه، در امور مشترکه بایکدیگر تشریک مساعی نمایند. این اشتراک بر سر مسایل فقهی و شرعی می تواند حاصل شود. هرچند در مدل شورایی نیز، قدرت را می توان به صور گوناگونی در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: تفکیک قوا، ولایت فقیه، شورای رهبری.

مقدمه

طرح مبحث مربوط به تفکیک قوا در حوزه اندیشه سیاسی، از قرن ها پیش ذهن متفکران و نظریه پردازان حوزه سیاست را به خود مشغول نموده است. ایده اولیه ثلاثی (سه گانه) فهم نمودن قدرت به دوران یونان باستان و اندیشه های صاحب نظران این دوره، منتسب می گردد.^۱ به عنوان مثال ارسطو در کتاب «سیاست»، برای هر حکومت سه قدرت متصور است و در این میان حاکم خردمندی حدود اختیارات این سه قدرت را از یکدیگر بازشناسی می کند.^۲

با این حال اولین متفکر در حوزه تبارشناسی «تفکیک قوا» به معنای رایج، جان لاک بود. اما شهرت جهانی این مفهوم، مرهون تراوشات ذهنی و فکری شارل دو مونتسکیوی قرن هیجدهم است. وی، تفکیک قوا را راه حلی جهت مهار قدرت و تامین آزادی های شهروندان تبیین نمود. امروزه هواداران سرسخت این اندیشه، آن را تنها ضمانت اساسی و بنیادین آزادی های عمومی^۳ تلقی می کنند. خوانشی که از تفکیک قوا در اصل ۵۷ قانون اساسی به عنوان استقلال قوا مطرح است ظاهراً میان سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه تقسیم گردیده است. منتها مبنای ایجاد ساختار حکومتی و ساماندهی آن بر مدار ولایت فقیه جامع الشرایط قرار دارد. این تعبیر، دیدگاه متفاوتی با نظریه تفکیک قوا اندیشمندان غربی قرن ۱۸ و حتی فعلی در حوزه دانش حقوق اساسی است. به این سبب، ابتدا با تبیین مفهوم تفکیک قوا پرداخته، سپس به بحث تفکیک قوا در نظریه ولایت فقیه (فرد-شورایی) اشاره می گردد و روشن می گردد که آیا این مرجع در قالب تفکیک قوا قرار می گیرد یا خیر.

۱- مفهوم تفکیک قوا:

تفکیک در لغت به معنای «از هم گشودن»، «جدا کردن»^۴ است. قوه نیز در معنای «قوت و جمع قوی توانا»^۵ به کار می رود. در اصطلاح نیز قوه مرادف با قدرت است. قوا نیز جمع قوه به معنای نیروها و قوت ها است. قدرت هر چیزی است که بتواند کنترل شخصی بر شخص دیگر را به وجود آورد.^۶ یک توانایی درمقابل ناتوانی و عجز است.^۷

براین اساس، تفکیک قوا یعنی جداسازی قدرت های حاکم در جامعه در برابر تمرکز قوا، بر این مبنا استوار است که تمرکز قدرت و استبداد، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی افراد است^۸ و برای جلوگیری از تضرر به حقوق و آزادی ها، قدرت باید میان قوای حاکم (منظور از قوای حاکم، در نظریه اندیشمندان غربی قوای سه گانه است) تفکیک و توزیع گردد. تفکیک قوا یک ابزار ارزشمند در مهار قدرت است. در واقع، یک روش از میان هزاران روش برای کنترل کردن قدرت، اما عده ای به اندازه ای از اهمیت آن سخن گفتند که تفکیک قوا را همطراز با قانون اساسی می دانند.^۹ کشورهای دارای قانون اساسی شکلی و ماهوی تقسیم بندی رایج از تفکیک قوا را میان سه قدرت مقننه که در رأس آن رییس پارلمان، مجریه با ریاست رییس جمهور و قضاییه رییس قوه قضاییه است در نظر می گیرند.

۲- تفکیک قوا و رژیم سیاسی:

همزمان با طرح مبحث تفکیک قوا میان اندیشمندان حقوق اساسی و حوزه علوم سیاسی، میزان تفکیک سه قوه مجریه و مقننه و قضاییه از حیث استقلال کامل یا نسبی در حوزه وظایف این قوا مورد مناقشه قرار گرفت. عده ای، با تقسیم مساوی از وظایف حاکمیت ها، به سوی تفکیک مطلق قوا روی آوردند تا آزادی و امنیت شهروندان تامین شود.^{۱۰} به عبارت دیگر، زمانی که قوه قانون گذار اساسی در متن

۱. بوشهری، جعفر، مسائل حقوق اساسی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۷۹.

۲. برای مطالعه کارکرد هر یک از سه قوه از منظر ارسطو کتاب سیاست ترجمه حمید عنایت مراجعه شود.

۳. امیرارجمند، اردشیر، جزوه حقوق اداری ۱، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، سال تحصیلی ۸۵-۸۶ و جلالی، محمد، جزوه آزادی های اساسی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۹۱-۹۲

۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، تهران: انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۳۳۶.

۵. معین، محمد، همان، ص ۸۱۰.

۶. کدخدایی، عباسعلی و جواهری طهرانی، محمد، تفکیک قوا؛ رویای تقدیس شده، مجله حکومت اسلامی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۰۴.

۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵.

۸. قاضی، ابولفضل، گفتارهای در حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۹. اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ بیان می دارد: «جامعه ای که در آن حقوق افراد تامین نشود و تفکیک قوا برقرار نباشد، فاقد قانون اساسی است.»

۱۰. منصورنژاد، محمد، تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا، تهران: مجله حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۷.

قانون اساسی حدود و ثغور وظایف قوا را تبیین می کند، هیچ یک حق مداخله در کارکرد دیگری را ندارد. توازن و تعادل قوا هنگامی مقدور است که قوا به وسیله دیوار نفوذناپذیری از هم جدا باشند^{۱۱}. برخی دیگر با توجه به پیوستگی وظایف قوا، تفکیک کامل از هم بدون ورود قوه ای به قوه دیگر را عملی نمی دانند. بر این اساس، گرچه در متن قانون اساسی وظایف هر یک از نهادها مشخص گردیده است اما با گریزی قانونی و مقرراتی مبنای این همکاری ها را ایجاد می کنند.

این دو نظریه در نهایت منجر به تشکیل نوع رژیم سیاسی ریاستی و پارلمانی گردید. گروه اول با حمایت از تفکیک کامل قوا و گروه دوم با در نظر گرفتن تفکیک نسبی آن به بررسی نظام های مختلف در توجیه نظریات خود پرداختند. رژیم سیاسی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به مدل تفکیک قوا به نظر می رسد رژیم پارلمانی باشد. هرچند در کتب مختلف اساسی و در اندیشه حقوق دانان ایران رژیم نیمه ریاستی یا پارلمانی اجماع گردیده است.

ملاک برای تعیین نوع رژیم سیاسی، دو امر است: گستره صلاحیت های پارلمان در قانون اساسی و نسبت رابطه قوه مجریه با مقننه و در نهایت میزان پاسخگویی^{۱۲}. برخی از حقوق دانان معتقدند که گستره صلاحیت قوه مقننه به گونه ای است که قدرت مجلس ایران را به مراتب بیش تر از قوه مجریه در نظر گرفته است. ممکن است ایراد شود بخش اعظمی از وظایف قوه مجریه برعهده رهبری است و اختیارات رهبری فوق مجلس است. اما در پاسخ باید بیان داشت در فرض فوق، تفکیک قوا شامل رهبری نمی شود و فقط قوه مجریه شامل ریس جمهور و وزرا را در بر می گیرد. بدین سان رژیم سیاسی ایران به پارلمانی گرایش دارد. در مباحث بعدی به چالش مربوط به تقسیم تفکیک قوا در رهبری که موضوع اصلی پرسش است پرداخته خواهد شد.

۳- تفکیک قوا و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

مطابق اصل ۵۷: « قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند. » ممکن است بیان شود در قانون اساسی ایران نه تفکیک قوا بلکه اصل استقلال قوا پذیرفته شده، اما درست است که واژه تفکیک اشاره نگردیده است اما تفکیک آنچه در سایر نظام های غربی رایج است در نیم سطر اول مشهود است. از سوی دیگر مرز دقیقی از مفهوم و نتیجه استقلال و تفکیک استخراج نمی شود. کما اینکه در قانون اساسی مشروطیت مسلماً مفهوم تفکیک قوا با عبارت « ممتاز و منفصل » تبیین گردیده است^{۱۳}. در نتیجه، تفکیک در نهایت امر با عبارت استقلال یا انفصال فرقی در ماهیت آن ایجاد نمی کند. اینکه تفکیک مطلق قوا یا نسبی پذیرفته باشد تنها با مطالعه اصل ۵۷ قابل نظر نیست. علاوه بر این اصل که به تبع نقطه بارزی در شناسایی نوع و میزان تفکیک است اصول متعدد دیگری از جمله اصل ۸۷ در تشکیل دولت، اصل ۱۶۰ در تعیین وزیر دادگستری و وظایف آن و... قابل اغماض نخواهد بود. بنابراین نام و تعداد قوا تنها در این اصل مشخص است. آنها تحت نظر ولایت فقیه قرار دارند ولی که ولایتش مطلق است. (در راستای بند ۷ اصل ۱۱۰ ق.ا و ۱۱۲ ق.ا) منظور از زیر نظر، نظارت بر عملکرد آنان است که با مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام^{۱۴} (سیاست کلی حاکم بر سه قوه) صورت می پذیرد. آنچه در این جایگاه مهم جلوه می کند پذیرش این نظر است که تفکیک قوا در ارتباط با قانون اساسی را نمی توانیم به عنوان نظریه کلاسیک منتسکیو یا نظریات تفکیک قوایی که در مدل های مختلف سیاسی مطرح است اعمال کنیم. تفکیک قوا را باید در چهارچوب اصول قانون اساسی درک کنیم. این امر لزوماً عیب یا ایرادی از روش اعمال کنترل قدرت نیست.

^{۱۱}. بهنیا، مسیح، تفکیک قوا در عمل، نگاهی اجمالی به مدل های تفکیک قوا در سه کشور ایران، آمریکا و فرانسه، تهران: مجله مجلس و راهبرد، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص. ۴۲.

^{۱۲}. زارعی، محمدحسین، مطالعه روابط قوه مقننه با قوه مجریه، جزوه حقوق اداری ایران مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳

^{۱۳}. اصل بیست و هفتم: قوای مملکت بسه شعبه تجزیه میشود: اول- قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصدقه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه- مجلس شورای ملی است.

دوم- قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات.

اصل بیست و هشتم: قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414>، به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ رجوع شد.

^{۱۴}. رگه هایی از شورایی بودن نظام در مشورت مشاهده می شود.

۴- تفکیک قوا در فقه:

موضوع مربوط به تفکیک قوا و پذیرش آن در منابع فقهی از جمله مباحث مهم در تبیین این امر در قانون نظام اسلامی ایران است. در میان اندیشمندان اسلامی موافقین و مخالفین در رابطه با تفکیک قوا اظهار نظر نمودند. آیت الله منتظری در کتاب دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه در جلد دوم، در طیف موافقین، سه وظیفه قوای را این گونه بیان می کند: ترسیم خطوط کلی و تبیین مقررات، اجرای مقررات و فصل خصومت و قضاوت^{۱۵}.

سیدمحمدشیرازی، ضمن پذیرش قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه از دیدگاه اسلام وجود قوه چهارمی را نیز به نام قوه تبلیغات و مطبوعات ضروری می داند که به صورت مستقل از سه قوه دیگر به تبلیغ اسلام، در داخل و خارج از کشور و امر به معروف و نهی از منکر بپردازد^{۱۶}.

در میان مسلمانان عده ای نیز مخالف تفکیک قوا بودند. ادله ای که هر یک در مخالفت خود بیان نمودند، در رابطه با حاکمیت مطلق خداوند و جانشینی با گستردگی اختیارات وی است. ابوالاعلی مودودی متفکر اسلام گرا هندی از جمله این مخالفان است. یکی از بارزترین مشخصه های مودودی، رویکرد انکاری وی نسبت به پدیده های غربی بوده است^{۱۷}. مودودی با صراحت اعلام کرد که اسلام، دموکراسی و لیبرالیسم نیست. اسلام مشروطه خواه و لیبرالیسم نیست^{۱۸}.

سیدقطب نیز به نوعی از دیگر مخالفات تفکیک قوا بود. این متفکر مصری، معتقد بود حکومت اسلامی به جای آن که توسط چند شخص دین دار اداره شود، باید «فارغ از انسان های روی زمین و هر اراده ای جز اراده خداوند باشد» و هیچ حکمرانی نداشته باشد^{۱۹}. وی نیز با تلقی خاص خویش از حاکمیت، از اندیشه های متفکران مسلمان پیش از خود و سیر تحول آنان در جهت تحکیم قانون اساسی و نظام نمایندگی و ایجاد نظام سیاسی بر پایه شورا فاصله گرفت^{۲۰}.

این مسلمانان بر این عقیده اند که نه آیه و روایت خاصی در موضوع تفکیک قوا وارد شده و نه در سیره حکومتی پیامبر اکرم و امیرالمومنین اثری از تفکیک قوای حکومت به سه قوه خاص یعنی مقننه و مجریه و قضاییه دیده می شود^{۲۱}.

۵- تفکیک قوا و ولایت فقیه:

همانطور که در بحث گذشته اشاره شد، قریب به اتفاق آرای حقوق دانان به پذیرش تفکیک قوا در چهارچوب سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه قایل اند. ولایت فقیه در اصل ۵۷ حکم قوه ناظر و برتر بر این سه قوه را دارد. اختیارات و مسئولیت های رهبری در چهارچوب نظریه اصل تفکیک قوا نمی گنجد^{۲۲}.

برای تبیین این نظر ابتدا بایست نظریه ولایت فقیه مورد بررسی قرار گیرد. در خصوص منشاء ولایت، دو دسته تقسیم از انتصاب و انتخاب مطرح می گردد. از نظر طرفداران انتصابی ها، تعیین حاکم و ولی حق خداست و سمت ولایت را خدا جعل می کند^{۲۳}. پذیرشی که از سوی مردم انجام می گیرد در مرحله اثبات است نه ثبوت^{۲۴}. انتخابی که از سوی مردم صورت می گیرد در ثبوت ولی فقیه نقش ندارد. اگر مردم به وی رأی ندهند او همچنان ولی امر است.

از دیدگاه انتخاب گرایانه، ولی فقیه باید شرایط لازم را داشته باشد، این شرایط از سوی خداوند و به تبع از سمت ائمه تبیین گردیده است. از سوی دیگر مشروعیت بخشی به سمت ولایت در گرو انتخاب مردم براساس معیارهای الهی است. مردم به انتخاب خود، یکی

^{۱۵}. منتظری، آیت الله حسنعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج. ۲. مرکز العالمی للدراسات اسلامیه، چاپ نخست، ۱۴۰۸، ص. ۵۷.

^{۱۶}. ارسطو، محمدجواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم ۱۳۹۴، ص. ۷۸ به نقل از سیدمحمدشیرازی، الفقه، الحکم فی الاسلام، ص ۷۴-۷۶.

^{۱۷}. منصورى بروجنى، محمد، امکان و امتناع دفاع از مشروطه گرایی لیبرال از دیدگاه نایینی، نوری، اقبال و مودودی، گاهنامه علمی دانشجویی اجتماعی پژوهش، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۰

^{۱۸}. انصاری، منصور، اسلام سیاسی: زمینه ها و پیشگامان، پژوهشنامه متین، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص. ۹.

^{۱۹} https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DB%8C%D8%AF_%D9%82%D8%B7%D8%A8 تاریخ رجوع: ۹۴/۱۱/۱۹

^{۲۰} <http://narengesabz.blogspot.com/1394/01/30/post-107/%D8%A7%D8%B5%D9%84-%D8%AA%D9%81%DA%A9%DB%8C%DA%A9-%D9%82%D9%88%D8%A7-Separation-of-powers>

^{۲۱}. ارسطو، محمدجواد، همان، ص. ۷۹.

^{۲۲}. زارعی، محمدحسین، همان.

^{۲۳}. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم: مرکز نشر بنیاد بین المللی اسراء، ۱۳۸۸، ص. ۸۷.

^{۲۴}. جمشیدی، محمد حسین، اندیشه سیاسی شهید رابع امام سیدمحمدباقر صدر(ره)، تهران: وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷، ص. ۹۸.

از کاندیدهای معرفی شده را به عنوان رهبر برمی‌گزینند. ولایت انتخابی به عنوان ولایت فقیه به مفهوم انشایی (در مقابل ولایت فقیه به مفهوم خبری برای امامت انتصابی) نیز بیان شده است.^{۲۵} در این مفهوم، ولی فقیه نسبت به اشخاصی که وی را انتخاب نمودند ولایت دارد. هر زمان این اشخاص از ولایت وی دست بکشند، او عزل می‌گردد.

شهید صدر معتقد است، ولی فقیه مسئولیت شهادت یا گواه را در عصر غیبت برعهده دارد. صفات عمومی وی توسط خداوند پیش بینی گردیده است. ولی تطبیق آن‌ها به عهده امت است. جایگاه ولایت فقیه در تفکیک قوا را باید در اعمال ولایت که در واقع ریشه ای از منشاء ولایت (انتخابی یا انتصابی) است جستجو نمود. زمانی که دیدگاه انتصابی بودن در خصوص ولی فقیه را بپذیریم، جایگاه ولی فقیه فوق قوای سه گانه است. چرا که رأی مردم در ثبوت وی اصالت ندارد. هر زمان که احساس کند وجود مصوبه یا قانونی با شرایط جامعه همسانی ندارد می‌تواند منجر به تعطیلی آن گردد. (حکم حکومتی) در این حالت، مردم که مقبولیت وی را تایید نمودند به سبب حکم وی نمی‌توانند او را عزل کنند. اما زمانی که مردم ولی را انتخاب و به مشروعیت رساندند، رأی شخصی در قالب حکم حکومتی بدون مشورت مردم جایگاهی نخواهد داشت و تخلف از آن منجر به عزل از سوی امت می‌شود. در این حالت رهبری مافوق قوای دیگر در چهارچوب تعطیلی یک قانون یا مصوبه نیست. در حالت اخیر، اگر قوه مقننه قانونی وضع می‌کند که منشاء آن از مردم است، فقیه منتخب مردم باید در چهارچوب قانون همواره عمل کند. در نتیجه قوه مقننه در برابر ولی فقیه استقلال خود را حفظ می‌نماید. ولایت فقیه انتخابی، نیازمند مشاورین و کارگزارانی است که حاکم را یاری بخشند. هر کاری را برعهده نهاد متخصص واگذار می‌کند. از این منظر قوای سه گانه برای جامعه ضروری است. به اعتقاد آیت الله منتظری، وظایف حاکم اسلامی در محدوده مسایل حکومتی به این سه قوه باز می‌گردد.^{۲۶} در این دیدگاه، قوا بر حسب نوع فعالیت خود به قوای سه گانه تقسیم گشته‌اند، اما هریک تنها بخشی از وظایفی که برای ولی فقیه مقرر شده است را به انجام می‌رسانند که در این حالت تفکیک قوا به معنای معروف و مشهور آن نیست بلکه قدرت در نهایت در ید ولی فقیه است. از طرفی در نظریه تفکیک قوا در پرتو نظریه ولایت انتصابی، ولی فقیه را دارای اختیارات مطلقه در حیطة عمومی می‌داند نه نسبت به وظایف واگذار شده به قوای سه گانه (برخلاف نظریه انتخابی). از این منظر ولی فقیه علی‌رغم نقش نظارتی بر قوا قدرت مطلقه دارد. در حالی که در ولایت انتخابی قدرت ولی فقیه از قانون است نه مطلقه و رابطه که با قوا دارد جهت مهار قدرت است و نباید از حدود و اختیار خود تجاوز در محدوده سایر قوا اعمال کند. بر این اساس، تفکیک قوا نیز جلوی قدرت متمرکز ولی فقیه را می‌گیرد هریک در راستای وظایف تعیین شده در قانون عمل می‌کنند. هیچ یک از دو نظریه، در پذیرش نظریه تفکیک قوا به گونه‌ای که شامل ولی فقیه شود به ظاهر واقعی نهندند. در هر دو، ولی فقیه در خارج از قوای سه گانه با حدود اختیارات متفاوت قرارداد. روشن است که اگر رهبری را شامل یکی از قوای تفکیکی ندانیم از آنجا که در حکومت اسلامی وجود چنین مرجعی ضروری و مسلم است (اصل ۱۷۸ ق.ا.ن.سب) نسبت به غیرقابل بازنگری بودن اصل ولایت فقیه، ورود بحث ولایت فقیه در استقلال یا عدم استقلال قوا سه گانه برگردد، که میزان آن با توجه به نظریه های انتخابی و انتصابی متفاوت خواهد بود.

تفکیک قوا در نظام های سیاسی یک راه حل قانونی جهت جلوگیری از تمرکز قدرت است. باید بپذیریم ولایت فقیه جهت مشروعیت بخشی به حکومت اسلامی در عصر غیبت نهادی است که در هیچ نظام غیراسلامی قابل تصور نیست. اگر ایران کشور غیراسلامی باشد، وجود سه قوه برای اداره کشور کافی و لازم بود، اما زمانی که حکومت را اسلامی می‌پذیریم، نظارت بر حکومت در زمان غیبت امر بدیهی است. بنابراین از نظر زمانی، اصل ولایت فقیه مقدم بر اصل تفکیک قوا است. این دو اصل در اعمال ولایت به هم می‌رسند، اما قبل از آن منشاء باید روشن گردد. همان گونه که بین قوا از حیث استقلال تفکیک نسبی است در رابطه با ارتباط با ولی فقیه نیز استقلال شان به جهت منشاء پذیرفته شده، نسبی است.

تفکیک قوا نظام جمهوری اسلامی ایران درست است که مطابق با نظریه پردازان اولیه و فعلی جهان غرب نیست، اما به صراحت نمی‌توان گفت تنها فرق آن در وجود قوه چهارمی است که مافوق آن قرار دارد.

به اعتقاد من تعیین قوه چهارم مافوق قوا دیگر ایرادی متصور نیست. تعبیری که حقوقدانان از قوه موسس برای رهبری استفاده می‌کنند شاید از قوه چهارمی سخن می‌گوید که پذیرفته شده است که مقدم بر وجود قوای سه گانه بر رأس کار است. مفهوم و ماهیت قوه موسس نیز تقدم بر قوای دیگر در تشکیل حکومت است همانطور که در مطالب فوق پذیرفته شد، ولایت فقیه از لحاظ زمانی مقدم است. همانگونه که شرح آن رفت، تفکیک قوا یکی از روش های کنترل قدرت است. باید پذیرفت اگر در جهان معاصر روشی بهتر آمد قابل جایگزینی است. همانطور که بیان شده است، تفکیک قوا یک روش است و همچون هر روش و طریقه ای تا زمانی ارزشمند خواهد بود

^{۲۵} منصورنژاد، محمد، پیشین، ص. ۵۳.

^{۲۶} لک زایی، شریف، تأملی گونه شناختی تفکیک قوای سه گانه در نظریه های ولایت فقیه، مجله راهبرد، زمستان ۸۳، شماره ۳۴، ص. ۳۴۳.

که توان تامین اهداف موردنظر داشته باشد^{۲۷}. باید در نظر گرفت، می توان روش تفکیک قوا را از مدل کلاسیک خارج نمود و این ایراد بر سیستمی که کمی دستکاری می کند وارد نیست. چون نهایت یک نظام کارآمدی، یک روش برای رسیدن به هدف است. بنابراین براساس تغییر و دستکاری در مدل تفکیک، به هدف آن یعنی تقسیم وظایف جهت عدم تمرکز قوا کمک می کند.

نحوه ارتباط با این قوا به گونه ای است که تحت امر ولی فقیه بودن کاملاً مشهود است. در حالی که در پذیرش نظریه‌ی کلاسیک تفکیک قوا هیچ قوه بر قوه دیگر برتری ندارد و هریک در راستای وظایف خود مستقل عمل می کنند هرچند در این میان با یکدیگر در ارتباطند. نکته ای که در این جا در خصوص نحوه ارتباط قوا بیان می شود این است که در قانون اساسی، تعامل یا برخورداری از صلاحیت های قوه برای قوه دیگر پیش بینی نشده است. در حالی که این تعامل به نظر می رسد در رابطه با ولی فقیه به عنوان قوه‌ی مافوق بهتر مشخص گردیده است.

به طور کلی، بحث ولایت فقیه از حیث زمانی(نه در شکل امروز و مصوب از قانون اساسی مشروطیت بلکه از دوران ائمه به ویژه در کلام امام عصر (عج)) مقدم بر بحث تفکیک قوا است. آیت الله مصباح یزدی درباره نقش ولی فقیه در تفکیک قوا می فرماید: « در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل تفکیک قوا پذیرفته شده است و در عین حال اصل ولایت فقیه عامل ارتباط قوای حاکم قرار داده شده که اصل اخیر ناشی از اسلامیت نظام است، چه اینکه مشروعیت قوا در نظام اسلامی به این است که ساختاری الهی و اسلامی داشته باشند و به نوعی به مبداء آفرینش متصل گردند، ولایت فقیه حلقه وصل نظام به خداوند و ملاک مشروعیت نظام است.^{۲۸}» در مرحله اعمال ولایت، رابطه در طول سه قوه قرار دارد و سه قوه دیگر در عرض یکدیگر فعالیت می کنند.

۶- تفکیک قوا و شورای رهبری:

شهید سیدمحمد باقر صدر در کتاب خود^{۲۹} با آیه‌ی «و امرهم شوری بینهم»^{۳۰} شورا را یکی از مبانی و پایه های خلافت انسان می داند. از صدر اسلام تا در دنیای مدرن امروز، شورای تصمیم گیری امور از نتایج عقلی و فطری زندگی بشر به حساب می آید. شور در لغت به معنای «مشورت کردن» است. در اصطلاح به معنای نظر خواستن و نظر جمع نمودن به کار می رود. شوری نیز تجمیع افکار و اندیشه ها است. در زندگی روزمره، همواره برای پیشبرد کارهای خود سعی در کسب نظریات گوناگون هستیم. این جمله که یک دست صدا ندارد مثل مشهوری است که موفقیت های بزرگ با همکاری و تبادل اندیشه ها بدست می آید. از سوی دیگر در امور مهم چون هدایت یک جامعه، احساس مسئولیت شخص که عهده دار این مهم است به وی الفاء می کند که روش های مطلوب برای رسیدن به آن هدف را استفاده نماید.

در امر حکومت داری نیز احادیث، روایات و حتی آیات قرآنی مبنی بر تکیه بر رأی و نظر صائب وجود دارد. شهید صدر در خصوص نقش شورا در امر خلافت انسان ها بیان می کند: « یک نمونه از تلاشی که پیامبر برای این مقصود به کار برده است موضوع شورا می باشد. خداوند بر پیامبرش واجب کرد، با آنکه رهبری معصوم از هرگونه خطا و اشتباه است، با جامعه و امتش به مشورت بپردازد. تا مسئولیت آنها را در انجام «خلافت الهی» به آنها بفهماند...بدیهی است که این مشورت از جانب رهبر، بزرگترین وسیله برای آماده ساختن امت برای بدست گرفتن خلافت و تأکید عملی بر روی آن است.»^{۳۱} مهمترین نقش شوری، در ممانعت از استبداد رهبران و در نتیجه جلوگیری از تشکیل حکومت های استبدادی است.

سابقه‌ی بحث شورای رهبری از زمان تدوین پیش نویس قانون اساسی ۵۸ مطرح شد. در مقام تعیین رهبر، بدین صورت مطرح گشت: « در صورتی که هیچ فقیه‌ی دارای چنین اکثریتی نباشد، رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد.» اصل یک صد و هفتم قانون اساسی نیز که چگونگی و روند انتخاب رهبر توسط مجلس خبرگان رهبری را بیان داشته در پایان چنین مقرر می دارد: «...هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند، او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.» بنابراین، رهبری واحد یا اجماعی به هردو صورت مورد قبول گردآورندگان اولیه قانون اساسی قرار گرفت. اما این اصل در متن اصلی سال ۶۸ راه نیافت و رهبری شورایی جز در مورد استثنایی در صورت فقدان تصدی رهبری مطابق با قانون اساسی(اصل ۱۱۱) از متن قانون خارج گردید.

^{۲۷}. ارسطو، محمدجواد، همان، ص ۸۰.

^{۲۸}. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام: قانون گذاری، قم: موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۳۷۸. ص. ۱۰۲.

^{۲۹} صدر، سیدمحمدباقر، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ترجمه جمال موسوی، تهران: نشر روزبه، ۱۳۵۹، صص ۴۹ و ۵۰.

^{۳۰}. آیه‌ی ۳۸ سوره شوری.

^{۳۱}. صدر، سیدمحمدباقر، همان، ص ۳۸.

ولایت شورایی در مقابل ولایت فردی است. در اکثر نظریه‌های دولت در فقه شیعه یک فرد — و غالباً فقیه — در رأس هرم قدرت سیاسی قرار می‌گیرد اما به جای یک فقیه، شورایی از مراجع تقلید ولایت امر و تصدی امور امت را به عهده می‌گیرند و مردم در امور عمومی از شورا تبعیت می‌کنند. در خصوص وجود یا عدم شورای بودن رهبری بین علمای مختلف اختلاف نظر است. عده ای سیاست گذاری کلان، وقوف برمسائل شرعی و فقهی، تنظیم روابط قوای سه گانه و احاطه بر امور کشوری و لشکری را از کمترین مسئولیت‌های رهبری می‌دانند که نمی‌توان به سادگی با طرح شورایی شدن ولایت فقیه از پیامدهای آن نسبت به انجام این وظایف صرف نظر نمود و در توجه به پیش نویس قانون اساسی اولویت را با رهبری فردی می‌دانند. این گروه قطعاً به مشاوره رهبر در قالب نهاد قانونی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام توجه قابل‌اند. اما این موضوع برای ولی فقیه همواره اجباری در مشاوره ندارد و فقط در وجدان مسئولیتی وی می‌گنجد.

گروه دیگر که سردمدار آن آیت الله سیدمحمدحسینی شیرازی است معتقدند اگر فقهای جامع الشرایط متعددی وجود داشته باشند مردم مختارند همگی یا برخی از آنان را به حکومت بگمارند. وی با تصریح لزوم شورایی بودن حکومت و لزوم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود از طریق انتخابات گوناگون مفهوم ولایت فقیه را این گونه توضیح می‌دهد: این حق مردم است که عموم مسئولان حکومتی خویش را از راه چند نوع انتخابات برگزینند، اول انتخابات فقیه عادل جامع الشرایط برای تصدی کلیه امور. این همان چیزی است که ولایت فقیه نامیده می‌شود. پس در صورتی که چند فقیه عادل وجود داشته باشند، ملت حق دارد یکی یا جمعی از آنان را برای تصدی این مسئولیت برگزیند تا آنان از طریق مشورت با یکدیگر کشور را اداره کنند، و البته انتخاب جمعی از فقها و اداره کشور از طریق استشاره به روح اسلام نزدیک تر است. چون اسلام یک دین استشاری است. از دیدگاه ایشان ساختار سیاسی یک نظام اسلامی لزوماً باید بر اساس شورا بنیاد نهاده شود. به نظر او هر نوع نظامی که برای مسلمانان سودمندتر باشد و به استبداد و سیطره ستمگران بر مردم نینجامد، بر مسلمانان واجب است دست به تأسیس همان نوع نظام بزنند و تنها نظامی که دارای این ویژگی هاست نظام شورایی است که در مقابل دیکتاتوری قرار دارد.^{۳۲}

در خصوص رابطه شورایی بودن نظام جمهوری اسلامی و رابطه آن با قوای دیگر باید ابتدا بیان شود که به عقیده آیت الله شیرازی حاکم باید از ایفای هر نوع نقش اجرایی در دولت خودداری ورزد تا بتواند وظیفه نظارتی خویش را به خوبی انجام دهد، این در حالی است که در جمهوری اسلامی ایران برای رهبری واحد وظایف و مسئولیت های اجرایی اعطا گردیده است. بنابراین از نظر ایشان تنها وظیفه ولی فقیه، نظارت بر اجرای احکام شرعی است. همان عامل اصلی اختلاف نظر دیدگاه شهید صدر در باب ولی فقیه و نظر امام خمینی(ره)، به اینکه از نظر امام و قانون اساسی در همه عرصه حکومتی فقیه جانشین معصوم است و بالاترین مقام اجرایی کشور؛ منتها فقیه در نظر صدر تنها مرجع صالح و ناظر بر اجرای قوانین الهی و شریعت اسلامی است.^{۳۳}

از این منظر اگر بحث شورایی بودن ایت الله شیرازی مربوط به اداره حکومتی از باب نظارتی باشد، قطعاً امور اجرایی تماماً بر عهده نهاد مجریه واگذار می‌شود. قوای سه گانه به وظایف حاکمیتی قانون گذاری، اجرایی و قضایی پرداخته اند و نظارت بر این امور را برعهده شورایی از فقها قرار داده می‌شود تا ضامن عدم انحراف از وظایف اصیل اسلامی در سه حوزه یاد شده گردند.

اما در مدلی که مورد قبول نظام جمهوری اسلامی باشد حالتی که به رهبری قدرت اجرایی نیز داده شده است. در این حالت یا در چهارچوب همان وظایف سپرده شده به رهبری در قانون اساسی با حضور سه یا پنج شخص روبرو هستیم. اصل ۱۱۰ قانون اساسی در مقام بیان وظایف رهبری، به صورت شورای رهبری انجام گیرد. در این حالت اگر وظایف محدود به آن امور مصرحه باشد، از ابتدا همان ها بسته به تخصص فقها بین شان نیز تقسیم گردد و در امور مشترک که صلاحیت هر سه یا پنج ايجاب کند تشریک مساعی داشته باشند. وظایف مندرج در اصل ۱۱۰ نیز به گونه ای با تخصص هریک تقسیم می‌گردد. هیچ یک از قوا در کار یکدیگر مداخله نکنند امور مشترک از ابتدا مشخص گردد. در این مدل کارکرد سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه همچنان چون سابق پابرجاست و رهبران سه یا پنج گانه جزو تفکیک مرسوم قرار نمی‌گیرند. صرفاً همان مدل نظام اسلامی به صورت شورایی اداره می‌شوند. این اشخاص نیز توسط شورای نگهبان انتخاب می‌شوند. یا مدلی از اداره جامعه روبرو می‌شویم که تفکیک قوا شامل قدرتی متشکل از ولی فقیه است. مردم فقهای را انتخاب کنند که هریک متصدی قسمتی از حاکمیت اند و در امور مشترکه با همفکری یکدیگر اقدام می‌کنند.^{۳۴} در این صورت روسای قوا سه گانه بین رهبران فقیه تقسیم می‌گردد. تفکیک قوا به مدل رهبری دینی و سیاسی نزدیک می‌شود. متصدی اجرایی، قضایی و تقنینی توسط

^{۳۲} مقاله دکتر فرهاد الهیان با نام نظام نامه سیاسی اسلام از دیدگاه آیت الله سیدمحمدشیرازی

^{۳۳} رجوع کنید به کتاب اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی نوشته محمدحسین جمشیدی از انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ ۱۳۸۸ و http://honarvarnet.blogspot.co.uk/2010/07/blog-post_30.html تاریخ رجوع ۹۴/۱۱/۱۱، منتشر در تاریخ ۸/۵/۸۹

^{۳۴} رجوع کنید به کتاب اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی نوشته محمدحسین جمشیدی از انتشارات موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۷

^{۳۴} ارسطو، محمد جواد، جزوه دست نویس مبانی تحلیل نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق دانشگاه فارابی قم، دوره دکتری، پاییز ۹۴.

مردم انتخاب می شوند. در این حالت است که تفکیک قوا (شامل سه حوزه قوایی) شکل می گیرد و در عین حال ولی فقیه جزو قوا می باشد نه به شکل قوه مافوق قوای دیگر. شکل جدیدی است که در آن قدرت از ابتدا تفکیک شده است. در اینجا قوای سه گانه یکسری امور مشترکه نیز دارند که با همکاری هم و مشاوره هدایت می بخشند. بنابراین شورای رهبری هم می تواند به شکل قانون اساسی مافوق سه قوه قرار گیرند و نظارت امر داشته باشند در این صورت تفکیک قوا به صورت قوای مافوق قوای سه گانه قرار می گیرد و در این حالت تمرکز قوه نظارتی از دست یک فقیه خارج می شود و با اینکه قوای حاکمیتی میان سه فقیه تفکیک شود و هر یک عهده دار برخی از حاکمیت به شیوه مستقل گردند در عین حال که ولایت مطلقه فقیه تقسیم وظایف دارند در برخی امور مربوط به مصالح کشور مشارکت نمایند. البته می توان شیوه را نیز متصور شد (که در غالب نظر اول و دوم نیز مجموعاً می گنجد) که هر ولی فقیه ریاست یک بخش را برعهده و مافوق قوه باشد و نظارت بر هر قوه از همان ابتدا منفک گردد. مانند اینکه ولی فقیه تقنینی با وجود ریس مجلس نظارت بر قانون گذاری کند. در این صورت، تفکیک قوا در نهایت بین سه قوه در رأس، ولی فقیه اجرایی، ولی فقیه تقنینی و ولی فقیه قضایی انجام می شود و در رده پایین رئیس مجلس، ریس جمهور و ریس قوه قضاییه انجام وظیفه تحت ولایت امر فقیه می کنند.

شورایی بودن امور به ویژه در خصوص مسایل مربوط به مصالح کشور می تواند کاربرد داشته باشد. در این حالت در هر مقام و قدرتی که قرار گیرند همان شخص از جهت فقهی و دینی نظارت یا (در مواردی اجرا) بر امور خود و سازمان ذی ربط دارد. نظارت دینی بر تصویب قوانین برعهده خود متصدی امر تقنین که فقیه واجد شرایط است قرار می گیرد. بنابراین بین این سه قوه که هم قدرت حاکمیتی دارند و هم فقیه جامع شرایط که ضامن عدم انحرافند وظایف منفک گردده است. نوع تعامل آنها با یکدیگر در امور مشترک است. به نظر می رسد، در باب نظارت بر اجرای صحیح قوانین شرعی این اشتراک حاصل شود.

شورایی بودن رهبری با ولایت مطلقه تعارضی ندارد. هر شکل از شورایی را بپذیریم، خدشه ای در ولایت مطلقه ایجاد نمی کند. بحث ولایت مطلقه در امور حکومتی مصداق می یابد. در رابطه با صدور حکم حکومتی، شورای رهبری باید با مشارکت یکدیگر فارق از قوه تفکیکی خود عمل کنند. البته در مورد نحوه اجرا می توان مباحث و مشکلات ناشی از رسیدن واحد را ایراد نمود که در جای خود قابل بیان است. اما نکته مهم این است که وقتی مشارکت و اتحاد در امر حکومتی را بپذیریم، از بحث تفکیک قوا خارج می شود. اعمال ولایت مطلقه نمی تواند با تفکیک وظایف انجام گیرد.

نتیجه گیری:

شکل تفکیک قوا در قانون اساسی ایران نه به صورت رایج آن بلکه با شیوهی هدایت و راهبری شخص ولی فقیه و تحت نظارت مطلقه وی صورت گرفته است. در هردو سیستم نظریه انتخابی و انتصابی بودن تمرکز قدرت در ید ولی فقیه است منتها در نظریه انتخابی قالب نظارتی به خود می گیرد و در نظریه انتصابی مشورعت بخشی قوا از ولی فقیه ناشی می شود. با طرح ولایت مطلقه فقیه، این نظارت بر قوا فراتر می رود. اما در حالت تقیید، ولی فقیه نیز در چهارچوب قانون همواره عمل می کند. در خصوص شورای رهبری می توان مدل های گوناگونی متصور شد. شکلی که در آن با تشکیل گروهی از فقها همان وظایف ولی فقیه واحد را انجام می دهند. در این صورت، شاید بتوان قایل به فرضی شد که هر فقیه نظارت و ولایت خویش را بر هر قوه با ریاست روسای سه قوه اعمال کند و در اموری با یکدیگر مشاورت دارند. در اینجا تفکیک قوا به صورت نظارتی میان فقها رهبری صورت می پذیرد. اما آنچه در رابطه با تفکیک و ولایت مطلقه که لازمی ولایت در صدور اعمال حکومتی است مطرح می شود در اینکه ولایت مطلقه چون مربوط به دستوراتی است که ممکن است هر سه حوزه را دربرگیرد به شکل تفکیکی میان قوا اعمال نمی شود بلکه با مشارکت هر سه باید صورت پذیرد. اما در حالتی اگر فرض شود قدرت در کلیت به سه یا بیشتر شخصی از فقها تقسیم می گردد مدل تفکیک قوا به صورت قوای با صلاحیت فقهی-سیاسی قرار می گیرد. در این حالت خود قوا پیرامون وظایف سه گانه هر یک، بحث نظارت شرعی را انجام می دهند. بحث تفکیک و ولایت مطلقه در این صورت نیز مطرح می گردد. با پذیرش شورای رهبری ممکن است وجود برخی نهادها چون شورای نگهبان (از باب نظارت شرعی) و مجمع تشخیص مصلحت زاید اعلام گردد.

در کل می توان پذیرفت، علی رغم اینکه مدل تفکیک قوایی ایران با آنچه در غرب و از دیدگاه متفکران غربی از این نظام فکری برخاسته است فرق دارد اما باید از آن دفاع نمود. زیرا تفکیک قوا یک روش است. غایت یک نظام سیاسی، کنترل قدرت و ممانعت از تمرکز قوا در ید شخص یا اشخاص است. اینکه برای رسیدن به مطلوب، از مزایای روشی چون روش تفکیک قوا استفاده نمود اما در قالب کلی یک نظام با ارزش های آن گنجانده ایرادی ندارد. پذیرش تفکیک قوا با تقسیم قوهی مقننه، مجریه، قضاییه و موسس یا نظارت یا هر عنوان دیگر در نظام اسلامی که ولایت فقیه مقدمه‌ی تاسیس حکومت است منطقی است.

منابع و مراجع

- [۱] ارسطا، محمدجواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ چهارم ۱۳۹۴
- [۲] ارسطا، محمد جواد، جزوه دست نویس مبانی تحلیل نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق دانشگاه فارابی قم، دوره دکتری، پاییز ۹۴.
- [۳] امیرارجمند، اردشیر، جزوه حقوق اداری ۱، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، سال تحصیلی ۸۵-۸۶
- [۴] انصاری، منصور، اسلام سیاسی: زمینه‌ها و پیشگامان، پژوهشنامه متین، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۶
- [۵] بوشهری، جعفر، مسائل حقوق اساسی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴
- [۶] بهنیا، مسیح، تفکیک قوا در عمل، نگاهی اجمالی به مدل های تفکیک قوا در سه کشور ایران، آمریکا و فرانسه، تهران: مجله مجلس و راهبرد، شماره ۴۶، ۱۳۸۴
- [۷] جلالی، محمد، جزوه آزادی های اساسی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۹۱-۹۲
- [۸] جمشیدی، محمد حسین، اندیشه سیاسی شهید رابع امام سیدمحمدباقر صدر(ره)، تهران: وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷
- [۹] جمشیدی، محمدحسین، اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ ۱۳۸۸.
- [۱۰] جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم: مرکز نشر بنیاد بین المللی اسراء، ۱۳۸۸
- [۱۱] خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ج ۲، ۱۳۷۹
- [۱۲] زارعی، محمدحسین، مطالعه روابط قوه مقننه با قوه مجریه، جزوه حقوق اداری ایران مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳
- [۱۳] صدر، سیدمحمدباقر، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ترجمه جمال موسوی، تهران: نشر روزبه، ۱۳۵۹
- [۱۴] قاضی، ابولفضل، گفتارهای در حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵
- [۱۵] کدخدایی، عباسعلی و جواهری طهرانی، محمد، تفکیک قوا؛ رویای تقدیس شده، مجله حکومت اسلامی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۹۱
- [۱۶] لک زایی، شریف، تأملی گونه شناختی تفکیک قوای سه گانه در نظریه های ولایت فقیه، مجله راهبرد، زمستان ۸۳، شماره ۳۴
- [۱۷] مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام: قانون گذاری، قم: موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ نخست، ۱۳۷۸
- [۱۸] منتظری، آیت الله حسنعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۲. مرکز العالمی للدراسات اسلامیه، چاپ نخست، ۱۴۰۸
- [۱۹] منصوروی بروجنی، محمد، امکان و امتناع دفاع از مشروطه‌گرایی لیبرال از دیدگاه نایینی، نوری، اقبال و مودودی، گاهنامه علمی دانشجویی اجتماعی پژوهان، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۰
- [۲۰] منصورنژاد، محمد، تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا، تهران: مجله حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸
- [۲۱] معین، محمد، فرهنگ فارسی معین(یک جلدی)، تهران: انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول ۱۳۸۷
- [۲۲] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحی ۱۳۶۸
- [۲۳] قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۲۸۵

[24] -<http://rc.majlis.ir>

[25] -<http://narengesabz.blogspot.com/>

[26] -http://honorvarnet.blogspot.co.uk/2010/07/blog-post_30.html

[27] - <https://fa.wikipedia.org>